

اهمیت و ضرورت به کارگیری منابع خارجی در تحقیقات کشور

دکتر عباس خُزّی^۱

چکیده: تحقیقات حوزه‌های مختلف علمی به یافته‌های یکدیگر در هر کجا و به هر زبانی که ارائه شده باشد نیازمندند. در دستیابی به این یافته‌ها هیچ‌گونه مرز سیاسی، فکری، و زبانی وجود ندارد. پژوهش‌های انجام شده در ایران نشان می‌دهد که بیش از پنجاه درصد نیازهای علمی، آن‌گونه که در آثار مکتوب منعکس است، از طریق متون فرنگی تأمین می‌شود و این امر منحصر به حوزه و رشته خاصی نیست و بنابراین، لازم است سیاستی در جهت تأمین این نیازها با رعایت شرایط اقتصادی صورت گیرد. در مقاله حاضر، میزان و چگونگی انکاء نوشته‌های علمی فارسی به متون و منابع خارجی و راهکارهای مناسب تأمین آنها مورد بررسی قرار گرفته است.

مقدمه

تحقیق به اعتبار وجه اصطلاحی و مفهومی آن نوعی بازکاوی است. در هر تفکر و تحقیق علمی ممکن است آنچه را پیش از ما دیگران ارائه کرده‌اند مورد تأمل قرار دهیم، آن را از منظری دیگر بیازماییم، به تعبیر و تفسیر آن پردازیم، یا آن را مورد تصحیح و اصلاح قرار دهیم. بنابراین، در عالم تحقیق نمی‌توان ادّعی ابداع کرد. تنها می‌توان به ترکیب جدید اشاره داشت. بنا به گفته پوپر: در دنیایی که فیزیک آن را وصف می‌کند چیزی که حقیقتاً و ذاتاً نو باشد نمی‌تواند رخ دهد. هر پدیده جدید بازسازی عناصری است که خود به هیچ‌روی تازگی ندارند، تازگی در ترتیب و

۱. دانشیار دانشگاه تهران

ترکیب اجزاء است^(۱). زمانی که از رشد علم سخن به میان می‌آوریم نیز تلویحاً نوعی رابطه زنجیره‌ای میان هر نویافته علمی و یافته‌های پیشین را پذیرفته‌ایم^(۲). بنابراین، در انجام هر فعالیت علمی نه تنها شدیداً نیازمند آگاهی نسبت به فعالیت‌های مرتبط پیشین هستیم، بلکه بدون کسب آگاهی نسبت به تلاشهای گذشته، نمی‌توان در مسیر تحقیق گامی پیش رفت. در واقع، ادعای طرح اندیشه‌ای نو بدون تکیه بر آنچه دیگران کرده‌اند به ایجاد اندامواره‌ای ناموزون می‌انجامد و حائز ارزش علمی چندانی نیست^(۳).

بی‌مرزی علم

علم نه از جهت چارچوب موضوعی قابل مرزبندی است و نه از لحاظ حدود جغرافیایی. این هر دو تقسیم‌بندی ساختگی است و اگر کاربردی هم بر آن متصور باشد برای دنیای تحقیق نیست. رده‌بندی‌های مختلف علوم از آغاز تاکنون نتوانسته‌اند مرزهای روشنی را برای حوزه‌های علمی به گونه‌ای پدید آورند که اجماع اهل علم بر آن توافق کنند، چون علوم به ظاهر گوناگون و متفاوت ناگزیر بوده‌اند که پیوسته از یافته‌های یکدیگر بهره‌مند شوند. به گفته کپلن "برای قلمرو حقیقت مرزی وجود ندارد ... هر حوزه علمی ممکن است فنون، مفاهیم، قوانین، داده‌ها، مدلها، نظریه‌ها یا تبیین‌ها - و به بیان کوتاه آنچه را برای کار خود سودمند می‌یابد - از سایر حوزه‌ها اخذ کند"^(۴).

در دنیای حقیقت‌جویی می‌توان آزادانه سفر کرد و به مبادله و دادوستد پرداخت. موانع و شرایطی که در جغرافیای سیاسی می‌شناسیم در عالم علم بی‌معناست. سفرهای طولانی و گاه بی‌بازگشت بسیاری از دانشمندان مسلمان در قرون گذشته از قفقاز تا اندلس و از شرق تا شمال آفریقا شواهد و مصادیق روشنی از بی‌مرزی دانش‌پژوهی و حقیقت‌جویی است.

امروزه، مدل‌های جدید ارتباطی و فن‌آوری‌های نوین، الگوی ارتباطات فرامرزی را دگرگون کرده است. دیگر ضرورت ندارد که اهل علم و تتبع رنج سفرهای طولانی و دشوار را بر خود هموار سازند تا نسبت به تلاش‌های دیگران در سایر سرزمین‌ها آگاهی یابند، بلکه می‌توان در هر نقطه از دنیا به یافته‌های سایر نقاط دست یافت، که اوج این دستیابی در حال حاضر در اصطلاح "سفر مجازی" نهفته است. اما آنچه به سبب تحوّل و دگرگونی در الگوهای ارتباطی پدید آمده است نه تنها تغییری در اصل بی‌مرزی علم پدید نیاورده، بلکه بهانه‌جویی و مانع‌پنداری سفر و عزیمت را از میان برداشته است، به گونه‌ای که دیگر نمی‌توان ناآگاهی از یافته‌های آن سوی مرزهای جغرافیایی را با بهانه‌ی دشواری دستیابی به آنها توجیه کرد و خود را از این مسئولیت

رهانید.

بی‌مرزی علم در عرصهٔ زبان نیز صادق است. نه هم‌زبانی همدلی را تضمین می‌کند و نه ناهم‌زبانی به معنای ناهمدلی و ناهم‌رایی است. هرگاه در جست‌وجوی هم‌روی برآییم، دیگر ناهم‌زبانی مرز و مانع نیست. هم‌رو را به هر زبان که تکلم کند و در هر جا که باشد باید یافت و از آرائش بهره جست، با آن هم‌ندا شد یا به معارضه پرداخت، و یا اصلاحش کرد؛ اما نمی‌توان ندیده‌اش گرفت. هم‌روی به معنای هم‌اندیشی نیست، بلکه اندیشیدن به مسئله‌ای واحد است هرچند که از دو منظر و خاستگاه متفاوت و متعارض باشد.

مشارکت جهانی علم

جهان علم یک کل است که دانشمندان هر یک مسئولیت جزئی از آن را بر عهده دارند^(۵) و از ترکیب این اجزاء، سیمای کلی علم در هر دورهٔ تاریخی ترسیم می‌شود. در واقع محققان حوزه‌های علمی، گره‌های شبکهٔ جهانی علم هستند که هر یک موضع و جایگاه ویژه‌ای را در این شبکه به خود اختصاص می‌دهد. تعداد پیوندهایی که هر دانشمند با دیگر دانشمندان آن شبکه برقرار می‌کند یا دیگران با او برقرار می‌کنند، تجلی میزان اتصال آن به شبکهٔ جهانی و به بیان دیگر میزان مشارکت آن در علم جهانی است.

این پیوند امروزه از طریق استفاده از آثار مکتوب دیگران در هر اثر علمی ارزیابی می‌شود و روشی که به تحلیل استنادی مشهور است از طریق مطالعهٔ اسناد مورد استفادهٔ هر نوشته علمی و چگونگی ربط موضوعی، زبانی، و وجوه دیگر آن با سایر آثار علمی به نوع و میزان این پیوندها و روابط میان دانشمندان از طریق آثار و نوشته‌های آنان می‌پردازد. یافته‌های این‌گونه مطالعات توانسته است نه تنها میزان و امدهاری هر حوزهٔ زبانی یا جغرافیایی را به حوزه‌های دیگر تعیین کند، بلکه در مطالعات بین‌رشته‌ای نیز بسیار مورد استفاده قرار گرفته است.

استفاده از منابع خارجی در ایران

شواهد متعدّد موجود نشان می‌دهد که مطالعات و پژوهش‌های مراکز آموزشی و پژوهشی کشور عمدتاً متکی به منابع فرنگی است. گزارش ملی تحقیقات در سال ۱۳۷۱ که از سوی شورای پژوهش‌های علمی کشور تهیه و تدوین شده و در تابستان ۱۳۷۲ ارائه گردیده است^(۶) حاکی است که مجموعهٔ کتابخانه‌های مراکز آموزش عالی و مؤسسات تحقیقاتی گرایش به کتابها و مجلات خارجی دارد. کتابهای کتابخانه‌های بخش دولتی در حدّ ۵۰ درصد میان فارسی و

خارجی تقسیم شده و مجلات خارجی به مراتب بیش از فارسی است (جدول ۱). نکته جالب توجه اینکه فزونی مجلات فرنگی نسبت به فارسی خاص حوزه‌های علوم و تکنولوژی نیست بلکه در حوزه علوم انسانی نیز تعداد مجلات فرنگی، اندکی کمتر از ۵۰ درصد مجلات این حوزه را تشکیل می‌دهد (جدول ۲).

حتی در مورد کتابهای فارسی نیز اتکاء به متون فرنگی کاملاً مشهود است. به عبارت دیگر، ترجمه متون فرنگی به فارسی خود نوعی استفاده از منابع خارجی است. در جدول ۳، می‌توان به خوبی دریافت که ترجمه متون سهم عمده‌ای در کتابهای منتشر شده به فارسی دارد. حتی در حوزه علوم انسانی که انتظار می‌رود جامعه ما برتألیف تکیه کند سهم ترجمه به مراتب بیش از سایر حوزه‌ها و چیزی بیش از دو برابر تألیف در همان حوزه است.^(۷)

پژوهشی که در سال ۱۳۷۵ در مورد چگونگی مبادله منابع اطلاعاتی میان کتابخانه‌های دانشگاهی و پژوهشی کشور صورت گرفته^(۸) نشان می‌دهد که از میان ۱۰۳۲ درخواست منابع اطلاعاتی که عمدتاً ناظر بر مقاله‌های مجلات است، ۵۶۶ مورد یعنی ۵۵ درصد کل درخواست‌های مربوط به تهیه نسخه‌ای از مدارک مورد نیاز، از کتابخانه بریتانیا تأمین شده است؛ و از میان ۴۵ درصد باقی‌مانده، ۱۹۶ مورد درخواست از مرکز اطلاعات و مدارک علمی، و ۲۶۰ مورد از سایر سازمانهای داخلی بوده است. این امر نشان می‌دهد که حتی اگر فرضاً درخواست از مراکز داخل کشور کلاً ناظر بر متون فارسی بوده باشد، باز هم سهم منابع فرنگی بیش از پنجاه درصد خواهد بود.

مطالعات استنادی که در زمینه تولیدات حوزه‌های مختلف علمی صورت گرفته نیز حاکی از استفاده قابل ملاحظه محققان و مؤلفان از منابع خارجی است که از آن میان اشاره به تعدادی از آنها بی‌فایده نیست. در سال ۱۳۷۲، پژوهشی به صورت تحلیل استنادی منابع مورد استفاده پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی صورت گرفته^(۹) و یافته‌های آن نشان می‌دهد که کتابهای لاتین بیشترین سهم استاداها را نسبت به سایر منابع اطلاعاتی به خود اختصاص داده است. تحقیق مشابهی در سال ۱۳۷۳ که در حوزه بهداشت صورت گرفته^(۱۰) حکایت از آن دارد که بیش از ۶۶ درصد منابع مورد استناد در پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد دانشکده بهداشت علوم پزشکی تهران به منابع فرنگی بوده است. در همین سال تحقیق دیگری نیز در دوره دکتری عمومی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تکیه بیش از ۵۰ درصد منابع تحقیقات به منابع فرنگی را تأیید می‌کند^(۱۱)، و در سال ۱۳۷۵ نتایج مشابهی از تحلیل استنادی تحقیقات رشته پرستاری نیز حاصل شده است^(۱۲).

در سال ۱۳۷۵ تحقیق دیگری در حوزه اطلاع‌رسانی پزشکی حکایت از آن دارد که ۶۶ درصد از کتابها و ۸۹ درصد از مقالات مورد استفاده در پیشینه تحقیقات این حوزه، خارجی بوده است (۱۳).

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

آنچه از یافته‌های تحقیقات انجام شده حاصل می‌گردد این است که سه جریان بر استفاده از منابع اطلاعاتی در پژوهش‌های مراکز مختلف آموزشی و تحقیقاتی حاکم است.

۱. غلبه بهره‌گیری از منابع اطلاعاتی در آثار پژوهشی با متون و منابع فرنگی است و منابع فارسی ترجمه شده نیز به گونه‌ای اتکاء به منابع فرنگی را حادث می‌کند.

۲. از میان منابع فرنگی مورد استفاده، سهم عمده‌ای به مقالات مجله‌های علمی اختصاص دارد، که خود نشانه‌گرایش به اطلاعات جدید و روزآمد است، و این امر حتی در حوزه‌هایی چون علوم انسانی نیز صادق است.

۳. منابع مورد استفاده کتابخانه‌ها و واحدهای اطلاع‌رسانی مراکز آموزشی و پژوهشی کشور عمدتاً از طریق کتابخانه بریتانیا (BL) تأمین می‌شود که ممکن است به‌طور مستقیم یا به‌صورت غیرمستقیم از طریق نهادهایی چون مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران صورت گرفته باشد. برآیند این سه جریان به معنای استفاده از مقالات فرنگی از طریق کتابخانه بریتانیاست که به عنوان واقعیتی موجود باید مورد توجه در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اطلاع‌رسانی کشور قرار گیرد. به همین دلیل پیشنهادهایی در این زمینه می‌توان ارائه کرد:

الف. منابع فرنگی، خصوصاً مجلات فرنگی موجود در کشور باید به گونه‌ای منضبط شناسایی و مشخصات آنها ضبط شود و در معرض آگاهی علاقه‌مندان قرار گیرد، تا پیش از هرگونه سفارش نسخه‌ای از مقالات از خارج کشور، از نبود آنها در کشور یا دشواری دستیابی به آنها اطمینان حاصل شود.

ب. نسخه‌ای از آنچه از طریق کتابخانه بریتانیا یا سایر مراکز مشابه سفارش و دریافت می‌شود در مراکز سفارش‌دهنده یا کانونی که مسئول این‌کار است نگهداری شود تا در کاربردهای احتمالی بعدی، به جای سفارش مجدد، مورد استفاده قرار گیرد و از این طریق در ارز مربوط به آنها صرفه‌جویی گردد.

ج. شاید بی‌مناسبت نباشد که تحقیقی در چارچوب امکان‌سنجی اقتصادی صورت گیرد تا بتوان دریافت که از میان هزینه دستیابی به اطلاعات داخلی و سفارش و دریافت آنها از مراکز

خارجی کدام یک مقرون به صرفه تر است، و برای افزایش سودمندی در ازاء هزینه‌های مربوط، چه راهکارهای مناسبی را می‌توان پیش‌بینی کرد. امید است بتوان در این عرصه حساس، به راه حلی بهینه دست یافت.

یادداشت‌ها

۱. بریان مگی، پوپر، ترجمه منوچهر بزرگمهر (تهران: خوارزمی، ۱۳۵۹)، ص ۸۰.
۲. عباس حزی، *مروری بر اطلاعات و اطلاع‌رسانی* (تهران: نشر کتابخانه، ۱۳۷۲)، ص ۱۵۳.
۳. عباس حزی، "نمایه‌ها به عنوان ملاک‌های ارزشگذاری نوشته‌های علمی" در مجموعه مقالات همایش روش‌شناسی و فنون تحقیق (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۶)، ص ۱۵۷.
4. Abraham Kaplan, *the Conduct of Inquiry* (San Francisco, 1964), P. 4.
5. Karl Popper, *Objective Knowledge* (Oxford: Clarendon, 1979), P. 121.
۶. گزارش ملی تحقیقات سال ۱۳۷۱ (تهران: شورای پژوهش‌های علمی کشور، ۱۳۷۲)، ص ۹۹-۱۰۱.
۷. همان، ص ۳۴.
۸. عباس حزی، "بررسی وضعیت مبادله منابع اطلاعاتی میان کتابخانه‌های دانشگاهی و پژوهشی کشور" *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز* (پاییز و زمستان ۱۳۷۵)، ص ۸۳-۸۶.
۹. نصرت ریاحی‌نیا، "بررسی کاربرد نشریات ادواری لاتین در پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد کتابداری در سالهای ۷۱-۱۳۵۴" (تهران: دانشگاه تربیت مدرس، گروه کتابداری، ۱۳۷۲).
۱۰. حبیب‌اله فخّازی، "بررسی استنادهای پایان‌نامه‌های فارغ‌التحصیلان دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران در سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۰" (تهران: دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی، گروه کتابداری، ۱۳۷۲).
۱۱. حسن جاهد، "تحلیل استنادی مآخذ پایان‌نامه‌های دوره دکتری عمومی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲" (تهران: دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی، ۱۳۷۲).
۱۲. مینا افشار، "بررسی و مقایسه استنادی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد پرستاری سه دانشگاه علوم پزشکی ایران، شیراز، و اصفهان در سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۲" (تهران: دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی، ۱۳۷۵).
۱۳. عباس حزی، "بررسی وضع پیشینه در پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی"، *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی*، سال دوم، شماره ۱-۴، سال ۱۳۷۵، ص ۳۳-۴۷.